



سیدمحمد حسینی

کارگردان فیلم «آپاترید»:

فیلمی که حرفی برای گفتن نداشته باشد، دیگر فیلم نیست

با کشور دیگری که در آن اقامت دارد ببرد. در نتیجه، پدر همیشه این راز را با خود حمل می‌کند و یوسف برای مادر همیشه زنده خواهد ماند. شاید این تصور کمی آرمان‌گرایانه باشد، اما چون آن را خلق نکردم، ترجیح می‌دهم در همان شکل ایده‌آلی که در ذهن دارم باقی بماند.

باتوجه به رویکردی که اخیراً نسبت به مهاجران افغانستانی بود، آیا نسبت به فیلم موضع‌گیری تندی شکل گرفت؟

نظرات بسیاری درباره پایان‌بندی و حتی رویکرد نسبت به برادران افغانستانی ما، چه پیش از جنگ و چه پس از آن، وجود داشت. نقد شخصی من به شرایط کشورمان این است که بالاخره مرزها باز بوده و دوستان افغانستانی تنها به دنبال پناه بودند؛ چه جایی بهتر از ایران که همسایه است، مردمان خوبی دارد، هم‌زبان و هم‌فرهنگ است. واقعاً مهمان‌نوازی ایرانی‌ها نسبت به افغانستانی‌ها در دنیا کم‌نظیر بوده است، بنابراین نمی‌توان به آنها خرده گرفت. به نظر هم می‌شود به این مهاجران حق داد و هم نه و این همان نقطه‌ای است که قصه فیلم شکل می‌گیرد. یعنی یک حق و ناحق وجود دارد و این انتخاب پدر است که بتواند خانواده‌اش را در صلح و آرامش در ایران نگه دارد یا با جنازه فرزندش به کشور خود بازگردد. این همان مسئله اصلی فیلم است. متأسفانه بعد از جنگ نگاه‌ها نسبت به این مسئله تندتر و به طبع فیلم هم با واکنش‌هایی روبرو شد اما خوشبختانه به‌تازگی، فیلم توانست جایزه بهترین فیلم کوتاه خارجی زبان را از جشنواره کازان روسیه را دریافت کند و این اتفاق تاحدی التیام‌بخش این قضاوت‌ها بود.

به نظر می‌رسد پس از ساخت فیلم حواشی آن برای شما مسیر دشواری بود.

بالاخره فیلم‌سازی همین است و این قضاوت‌ها وجود دارد و ممکن است به افغانستان، به ایران، به من یا به مدیری برخورد. بالاخره باید تلنگری زده شود. اگر فیلمی چیزی برای گفتن نداشته باشد، دیگر فیلم نیست؛ فقط شما پولی از بیت‌المال گرفته‌اید و ساخته‌اید بدون آنکه اتفاقی رقم نزنید. فیلمی که جنجال ایجاد می‌کند، فیلمی که دیده می‌شود، جایزه می‌گیرد و... حرفی برای گفتن دارد. این فیلم در جشنواره‌های متعددی حضور داشته و تاکنون پنج جایزه جهانی دریافت کرده است و شاید طبیعی است که فیلم‌هایی که حرفی برای گفتن دارد مورد حمله، نقد و قضاوت قرار گیرند. به هر حال این مسیر با همه سختی‌اش، موفقیت‌آمیز بود.

در مورد حمایت سازمان اوج بفرمایید؟

پیش از هر چیز باید بگویم باشگاه فیلم سوره نقش پایه‌گذار را برای من داشت. آقای موحد، آقای ملکی و محمد گودرزی که تهیه‌کننده من بود، واقعاً به من فرصت دادند. من در این باشگاه رشد کردم. مخصوصاً ناصر نادری که ریاست رویال را بر عهده داشتند و آقای آذرپندار نیز لطف بسیاری به فیلم داشتند و چه زمانی که دبیر جشنواره بودند و چه در مقام مدیریتی، واقعا پشت فیلم من ایستادند. به پشتوانه باشگاه فیلم سوره توانستم سازمان اوج را پای کار بیاورم. اینکه یک مدیر ریسک‌کننده و پشت فیلمی بایستد که امکان عبور از خط قرمز یا نقد سیستم و حتی نقد کشور افغانستان را دارد، واقعاً جسارت و شهامت می‌خواهد. همه مدیران چنین روحیه‌ای ندارند، اما دوستانی که همراه ما بودند، واقعا پای کار ایستادند و من از آنها قدراتی می‌کنم.

امیر ابیلی

کارگردان فیلم «مرتد»:

ژانر جنایی و معمایی مغفول مانده است

لطفاً از چگونگی شکل‌گیری ایده اولیه فیلم و نامگذاری آن بگویید.

ایده اصلی فیلم از علاقه مشترک من و آقای مرادیان به ساخت آثار جنایی و معمایی نشأت می‌گیرد. ما همواره در جست‌وجوی سوژه‌های این حوزه بوده‌ایم و معتقدیم قوانین حقوقی، مواد خام بسیار مناسبی برای خلق ایده هستند. هر نوع بی‌قانونی یا سوءاستفاده از قانون، چه در حوزه حقوق کیفری و مدنی، چه در سطح خانواده یا اجتماع، می‌تواند منشأ خلق درام باشد. ایده فیلم «مرتد» نیز از مرور یکی از همین قوانین به ذهن رسید و با پردازش دراماتیک شکل گرفت. نام فیلم نیز مرتبط با کاراکتری است که در داستان کشته می‌شود و بهتر است بیش از این درباره آن توضیح ندهم.

ساخت فیلم جنایی معمایی در مدیوم فیلم کوتاه به نظر سخت و پرریسک است شما با چه چالش‌هایی در انتخاب مدیوم و ساخت آن مواجه بودید؟

در دوره پیشین انجمن سینمای جوان، شعار احیای ژانر مطرح شد و قرار بود ژانر در سینمای ایران احیا شود. یکی از مغفول‌مانده‌ترین ژانرها، چه در سینمای بلند و چه در فیلم کوتاه، ژانر جنایی و معمایی است. ما نیز به این سمت حرکت کردیم، اما این موضوع بعدها به برجسی بدل شد که می‌گفت اثر ما فیلم کوتاه نیست و به فیلم بلند نزدیک است؛ به‌ویژه که گفته می‌شد فیلم کوتاه باید بیشتر بر یک موقعیت انسانی محدود تمرکز کند. به همین دلیل، در بسیاری از جشنواره‌های داخلی ما را بایکوت کردند.

با این حال از کاری که انجام دادیم رضایت دارم، زیرا قصد ما آزمایش و تمرینی برای فیلم بلند آینده بود. بازخوردهایی که در اکران‌های مختلف دریافت کردیم، بسیار مثبت بود. قصه‌گویی جنایی در زمان محدود فیلم کوتاه کار سخت و پیچیده‌ای است. ما اصرار داشتیم قصه به‌طور کلاسیک روایت شود، نقاط عطف داشته باشد و شخصیت‌ها برای مخاطب شناخته شوند. این اثر پرشخصیت بود و معمولاً در فیلم کوتاه چنین پیچیدگی یا تعدد شخصیتی کمتر دیده می‌شود، اما ما این ریسک را پذیرفتیم و به نظر من نتیجه مطلوبی به همراه داشت؛ تجربه‌ای که برای ما سکوی پرتابی به سوی فیلم بلندمان محسوب می‌شود.

از نقش سازمان اوج در ساخت این فیلم بگویید.

سازمان اوج اسپانسر اصلی و حامی مهم این پروژه بود و بدون حمایت آن، ساخت فیلم امکان‌پذیر نبود. با توجه به افزایش هزینه‌های تولید در ایران و گران شدن نیروی انسانی، تجهیزات و لوکیشن‌ها، ساخت فیلم کوتاه دیگر مانند هفت یا ده سال پیش ارزان تمام نمی‌شود. به‌عنوان نمونه، فیلم «زیر سایه بلوط» که پارسل برنده جایزه شد، بسیار پرهزینه بود. فیلم ما با حمایت سازمان اوج ساخته شد و در مقیاس سینمای کوتاه جزو آثار میان‌رده محسوب می‌شود، چرا که فیلم‌های گران‌تر دیگری هم ساخته می‌شوند. با این حال، بسیاری از فیلم‌های کوتاه مهم و ژانرهای متنوع بدون چنین حمایت‌هایی تولید نخواهند

شد و حضور نهادهایی مانند حوزه هنری، سازمان اوج و انجمن سینما جوان در این مسیر، اتفاقی مثبت است.

این اکران عمومی بر زندگی شغلی شما به عنوان فیلمساز آثار کوتاه چه تأثیری دارد؟

اکران عمومی فیلم کوتاه شاید تأثیر مستقیم بر زندگی حرفه‌ای کارگردان نداشته باشد، اما ارزش آن در دریافت بازخورد و مخاطب واقعی، نه صرفاً جشنواره‌ای، است. این بازخورد می‌تواند در آثار بعدی فیلم‌ساز لحاظ شود. فیلم کوتاه مخاطب خاص خود را دارد، از جمله سرمایه‌گذاران، تهیه‌کنندگان و هنرجویان هنر. بسیاری از کارگردانان از طریق مطرح شدن در جشنواره‌های فیلم کوتاه وارد فیلم بلند شده‌اند. اکران عمومی فرصتی است تا فیلمساز اشتباهات و نقاط قوت کارش را از زبان تماشاگران واقعی بشنود و فیلم کوتاه وارد بازار واقعی سینما گردد.

از تجربیات پیشین خود در زمینه فیلمسازی بگویید؟

فیلم پیشین ما، «گورکن»، دو سال پیش ساخته شد. این اثر به دلیل طولانی‌تر بودن از عرف فیلم کوتاه [۳۵ تا ۳۶ دقیقه] از حضور در بسیاری از جشنواره‌ها بازماند، اما در همان اکران محدود بازخوردهای بسیار خوبی دریافت کرد. سپس روی پلتفرم فیلم‌نت منتشر شد و در آنجا نیز با استقبال مخاطب عام روبه‌رو گردید.

این دو فیلم برای ما به‌منزله آزمون و خطاهایی بودند که به یافتن لحن مناسب برای فیلم بلندمان کمک کردند. «گورکن» فضایی تاریخی‌تر داشت، هرچند در ژانر جنایی و معمایی بود اما حال‌وهوایی متفاوت داشت. «مرتد» نیز ادامه همان مسیری است که در «گورکن» آغاز کردیم. به همراه داوود مرادیان دو فیلم ساخته‌ایم که مجموعاً حدود ۷۰ دقیقه زمان دارند و تجربه‌ای ارزشمند برای ساخت فیلم بلندمان محسوب می‌شوند.

به نظر می‌آید که فیلم کوتاه در ایران گاه بسیار حرفه‌ای‌تر از بعضی آثار بلند سینمایی است چیزی که در این ۴ فیلم نیز مشهود است. لطفاً در این باره و اصولی که خود در ساخت فیلمتان رعایت کرده‌اید بگویید.

این چهار فیلم که در قالب بسته «دادخواست» اکران می‌شوند، به‌ویژه آثار همکارانم، نشان‌دهنده استعداد‌های ارزشمند در عرصه فیلم کوتاه هستند. آثاری مانند «روز خداحافظی»، «تانکر» و «آپاترید» کاملاً حرفه‌ای ساخته شده‌اند و گواهی بر این‌اند که نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان می‌توانند به زودی وارد سینمای بلند شوند. سینمای بلند ایران با محدودیت در تعداد کارگردانان فعال روبه‌روست و همین مسئله گاه به یکنواختی و کاهش انگیزه در فضای تولید منجر می‌شود. در چنین شرایطی، حضور چهره‌ها و صداهای جدید می‌تواند خون تازه‌ای به جریان سینما وارد کند. فیلم‌سازان کوتاه امروز تسلط بالایی بر تکنیک و پروداکشن دارند و فیلم کوتاه دیگر صرفاً آنجایی که دانشگاهی نیست؛ بسیاری از آثار با تیم‌های حرفه‌ای و پروداکشن قوی ساخته می‌شوند و تجربه‌ای واقعی از ساخت فیلم بلند ارائه می‌کنند.

جشنواره‌های فیلم کوتاه نشان داده‌اند که سطح تکنیک و کیفیت تولید سال‌به‌سال رشد کرده و تیم‌ها حرفه‌ای‌تر شده‌اند. این امر ثابت می‌کند که فیلم کوتاه سکوی پرشی مناسب برای ورود به فیلم بلند است و امروز بسیاری از فیلم‌های کوتاه ما حرفه‌ای‌تر و باکیفیت‌تر از برخی آثار بلند ساخته می‌شوند. امیدوارم این مسیر بیش از پیش دیده شود و راه برای ورود کارگردانان جوان به عرصه فیلم بلند هموار گردد.

